

عید فطر؛ روز پاکی و تزکیه

آن طسوری که از مجموع آنچه مربوط به عید فطر و عید قربان است، استفاده می‌شود، این روز شریف، روز طهارت و تزکیه و پاکی و پاکیزگی است.در یکی از این دو سوره‌ها که در نماز عید خوانده می‌شود، می‌فرماید:
قد افلح من تزکی (اعلی)،
ایه (۱۴) یعنی آن کسی که خود را پاکیزه کند و دامن و روح و دل خود را از آلودگی‌ها نجات دهد، از فلاح برخوردار است.فلاح، یعنی موفقیت در میان زندگی و رسیدن به هدف آفرینش. در جای دیگر می‌فرماید:
قد افلح من تزکیها (شمس،)
ایه (۹) به عینا همان مضمون است. یعنی کسی که بتواند جان خود را تزکیه و پاکسازی کند، به فلاح و رستگاری دست یافته است.
در هر دو سوره، صحبت از تزکیه و طهارت و پاکیزگی است. علاوهبر اینها، در این روز، یک واجب مالی وجود دارد که عبارت از ادای زکات فطر است. زکات هم آن تعبیه مالی‌الی است که موجب طهارت انسان می‌شود:
خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزکیهم به(اتوبسه، آیه ۱۰۳)،
گرفتن فی‌ال واجب و این صدقه مالی از مردم، موجب طهارت روح و پاکسازی آنها از دنائتها و لذامتها و حرص و بخل و اودگی‌هاست. پس، روز عید فطر، روز طهارت و پاکیزگی است. ممکن است این پاکیزگی، به خاطر آن باشد که یک ماه روزه نگرفته‌اید، ریاضت کشیده‌اید و خود را از آلودگی‌ها پاک کرده‌اید. ممکن است علاوهبر این، به خاطر آن باشد که در چنین روزی، با حضور در این میدان عبادت، به عبادت دسته جمعی روی آورده‌اید.
به‌رحال، مسئله این است که انسان مسلمان بعد از ماه رمضان در روز عید فطر، در عرصه طهارت و تزکیه است. شما خود را تطهیر و تزکیه کردید. اگر روزه روزه درست و نماز عید درست به‌جا آورده باشید. این طهارت و این پاکی دامن و این پاکیزگی روح را قدر بدانید. آنچه یک انسان را نجات می‌دهد، همین پاکیزگی است. آنچه انسانها را گرفتار می‌کند، آلودگی است؛ آلودگی‌های اخلاقی، آلودگی‌های ناشی از شهوت و غضب، آلودگی‌های ناشی از حرص و بخل و دیگر مذامت اخلاقی. انسانها و افرادی را به همین اخلاق پلید، دنیا را تیره و تار کرده، روی زمین را آلوده ساخته و نعمت‌های خدا را کفران نموده‌اند.

نیاز همان بشریت امروز به پیام تطهیر و تزکیه
در نظام جمهوری اسلامی _ که نظام الهی و حکومت قرآنی است _ انسانها پتیر از دیگر نظامها می‌توانند طهارت خود را تأمین کنند. این را قدر بدانید. امروز جهان بشریت، به پیام تطهیر و تزکیه شما احتیاج دارد. این ظلم و زورگویی و تبعیضی که در سطح جهان است، این تیره روزی انسانها در بسیاری از کشورها، این سردرگمی جوانان در کشورها پیشرفته دنیا، این روابط نامناسب زن و مرد، این آلودگی‌های شهوانی، این آلودگی‌های سیاسی و این آلودگی‌های مالی، بر اثر آن است که انسانها در صد تطهیر و تزکیه خود برنیاهند.مذمات، قرآن، ندای تزکیه می‌دهد. پیامبر مقدس اسلام، انسانها را تطهیر می‌کند؛ هم با نمازش، هم با زکاتش، هم با روزه گرفتنش و هم با عید فطرش.

در نظام اسلامی، این فرصت برای همه هست. جوانان عزیز من! پسران و دخترانی که دوران پاکیزگی و نورانیت دلها و جانها را می‌گذرانید! شما بیش از دیگران باید قدردان این طهارت و ناشیید و آن را حفظ کنید. کشور شما به فضل پروردگار و به برکت همین طهارت است که آباد و آزاد خواهد شد، توسعه پیدا خواهد کرد، ویرانهپاشی از بین خواهد رفت و فقر و تبعیض و بدبختی و ناملایم‌های گوناگون زندگی در آن محو خواهد شد. همه باید به سمت خدا حرکت کنند، دست که دامن خود را دراز کنند، از او کمک بخواهند، سعی کنند که دامن خود را پاک نگهدارند و از آلودگیها برهیز نمایند. آن کسانی که در مسائل مالی اشتغال دارند، در خطر آلودگی مالی هستند. آن کسانی که در کارهای سیاسی و اجتماعی مشغول کارند، در خطر آلودگیهای اجتماعی هستند. آن کسانی که در معرض شهوات قرار دارند، در خطر آلودگی‌های جنسی و شهوانی هستند. آن کسانی که زبردستانی دارند، در خطر آلودگی به ظلم و ستم هستند. آن کسانی که کاری در دست آنهاست، در خطر آلودگی به خیانت در کار هستند.

همه باید مراقب باشند. همه باید مواظب اعمال خود باشند و این مراقبت، همان تقویاست که در نماز عید فطر، ما مأمور شده‌ایم که خودمان و مستمعان را امر به تقوا کنیم.

بیانات در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

قرض به شرط زیاده

س) به یکی از دوستانم پولی قرض دادم و ایشان پس از چند ماه که قرض خود را برگرداند، مبلغی هم به عنوان هدیه به من دادند و ببینمشهاد این کار و مبلغ هم از خودش بود آیا در دریافت مبلغ اضافه، ربا محسوب می‌شود؟

ج) اگر بر اساس پیشنهاد قرض گیرنده مبنی بر اهداء مبلغی هدیه، قرض داده باشید، دریافت مبلغ بیش از مقدار تورم جایز نیست - هر چند شما شرط نکرده باشید - ، اما در صورتی که بدون شرط یا قرار قبلی، قرض گیرنده مبلغی اضافه پرداخت کند،اشکال ندارد، هر چند در یافت آن مکروه است.

باقی ماندن رنگ نجاست بعد از تطهیر

س) زمانی که لباسهای خوبی را می‌شوئیم، بعد از آب کشی جای لکه‌های خون دیده می‌شود، حکم آن چیست؟

ج) اگر جرم و جسم خون از بین رفته و فقط رنگ آن باقی مانده باشد، پاک است.

خمس وسائل خانه

س) در دوران عقد هستم و طبق رسوم ما برای شروع زندگی باید یک سری وسایل مثل تلویزیون، مبل و... را مرد تهیه کند، آیا در زمان سررسید سال خمسی باید خمس این وسایل را که با درآمد تهیه کرده‌ام بدهم؟

ج) اگر تهیه این وسائلا، عرفا جزو هزینه‌های جاری مورد نیاز شما محسوب می‌شود، محسوم نیست، هرچند تا سر سال خمسی استفاده نشده باشد.

در مطلب پیش‌رو نویسنده به بررسی جایگاه و اهمیت عید فطر در فرهنگ اسلامی پرداخته و به برخی از ویژگی‌های آن اشاره کرده است.

عید فطر، تولدی نو نو

در فرهنگ اسلامی اولین روز ماه شوال به عنوان عید فطر و جشنن بازگشت به فطر معین شده است، زیرا مسلمانان روزه‌دار در طول ماه رمضان با تباط‌های بی‌دربی با خداوند متعال و استغفار از گناهان به تصفیه روح و جان خویش همت گماشته و از تمام آلودگی‌های ظاهری و باطنی خود به برخلاف فطرت آنهاست، خود را پاک کرده و به فطرت واقعی خود برمی‌گردند.

امیرمومنان علی(ع) نیز از همین‌ زاویه به عید فطر می‌نگرد و با اشاره به‌ روز عید می‌فرماید: «**ما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه و کل یوم لایعیی الله فیهو عید**»(۱) این عید کسی است که خدا روزهاش را پذیرفته و نماز او را سستوده است و هر روز که خدا نافرمانی نشود، آن روز عید است»

اری روزه ترک گناه و فاصله گرفتن از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و روز غلبه بر شیاطین، روز عید است.
عید فطر روز بازگشت به فطرت است، این معنا را می‌توان از لغت «عید فطر» هم فهمید، چرا که «عید» به معنای بازگشت و «فطر» به معنای «فطرت و طبیعت» است. مسلمانان در این روز در اثر یک ماه صیافت و مهمانی خداوند به صفای باطن دست یافته و در حقیقت، شخصیت واقعی خویش را بازیافته‌اند.فطرت پاک انسان در طول سال در اثر غیبه‌های جهشل و نادانی و غفلت به انواع گناهان و معصیت‌ها مبتلا شده و از حقیقت خود دور می‌شود و در نتیجه دچار خود فراموشی و خدا فراموشی می‌گردد. اما با تیرا رسیدن ماه مبارک رمضان، انسان مسلمان در پرتو فضای معنوی آن ماه و تلاش‌های خویش به یک زندگی نوین دست می‌یابد که می‌توان آن را «بازگشت به خویشتن» نامید.

در روز عید فطر گویی یکی مسلمان از نو متولد می‌شود، چرا که طبق گفتار امیرمومنان(ع) روزداران در شب عید فطر از تمام آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک شده‌اند و کمترین پاداشی خود را که پاکی و پاکیزگی است دریافت کرده‌اند. آن حضرت چنین می‌فرماید: «واعلموا عباده الله! ان ادنی ما للصلمیمن والصلائمات ان ینادیهیم ملک فی ابرویم من شهر رمضان:» ایشرو عبادهالله! فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم فانظروا کیف تکنون فیما تستافتون»(۲)ای بندگان خدا! بدانید که کوچکترین چیزی که برای مردان و زنان روزه‌دار است، این است که فرشته‌ای در روز آخر ماه مبارک رمضان به آن‌ها ندا می‌دهد؛ ای بندگان خدا! بشنارشتن باد که [خداوند متعال] تمام گناهان گذشته شما را آمرزید، پس بنگرید که بعد از این چگونه عمل خواهید کرد.»

شیخ مفیدی می‌نویسد: اینکه روز اول ماه شوال عید اهل ایمان قرار داده شده است، به خاطر این است که آنان برای قبولی اعمالشان در ماه رمضان خوشحالند و از اینکه خداوند متعال گناهانشان را بخشیده و بر عیب‌های آنان برده کشیده و مزده و بشارت از طرف خداوند رسیده است که نواب‌های بسیاری برای روزه‌داران عطا خواهد کرد و از اینکه مؤمنین در اثر تلاش‌های شب و روز ماه مبارک رمضان چند مرحله به قرب الهی نزدیک شده‌اند، حالت سرور و نشاط دارند. در این روز غسل معین شده و این علامت پاکی از گناهان می‌باشند، عطرزدن و بوی خوش استعمال کردن و لباس زیبا و تمیز پوشیدن و به صحرا رفتن و زیر آسمان نماز خواندن هم‌اش علامت ششادی و سرور و از روی حکمت می‌باشد.»(۳)

چیستی و مفهوم «عید» و عید در لغت

این واژه در لغت، خوی گرفته، هر چه باز آید از اندوه و غم و اندیشه و مانند آن، روز فراهم آمدن قوم، مطلق روز و جشن و روز مبارکی که در آن روز مردم شادی کنند و به یکدیگر تبریک گویند، به کار رفته است.(۴)

برخی برآنند که اصل این لغت از ماده عود- بازگشتن - بوده ولی برخی دیگر بنابر نقل این منظور در لسان العرب معتقدند که اصل واژه عید از عادت می‌باشد، به دلیل آنکه مردم در روز عید، عادت به جمع شدن کنار یکدیگر نموده‌اند.(۵)

عید در اصطلاح

این دیدگاه علامه طباطبایی؛ عید در نزد هر قوم و ملتی، عبارت است از: روزی که در آن روز به افتخار موهبتی اختصاصی نائل آمده باشند.(۶)

بر این اساس اعیاد ملتها نسبت به یکدیگر متفاوت خواهد بود؛ چنان که بسیاری از آنها روزه و استقلا و رهایی خویش از بند استعمار را به عنوان روز عید ملی تلقی کرده و در آن روز به شادی می‌پردازند.

بنابراین باید گفت: عید به معنای اصطلاحی‌اش یک سنت بشری است که جهت بزرگداشت حوادث مهم و سرنوشت‌ساز، هر سال تکرار می‌شود.

منشا عید و معیار ارزشگذاری در آن

دقت در معنای اصطلاحی عید، بیانگر آن است که منشا عید در نزد ملتها، پیدایش تحولی مثبت و سازنده در سیر تکاملی آنان می‌باشد، از این رو به حوادث دلنشین یا غم‌انگیز که ایامش هر سال تکرار می‌شود به دیده «عزا»- در برابر عید- می‌نگرند.

نکته مهم در این زمینه، نحوه نگرش ملتها در معیار ارزش‌گذاری اعیاد می‌باشد؛ بدیهی است اختلاف در نوع نگرش انسان‌ها یکدیگر در این زمینه، فساوان در تعیین «عید» خواهد داشت.

عید در اسلام

در اسلام معیار ارزشگذاری برخی ایام به عنوان «عید»، از سه جنبه مورد عنایت قرار گرفته است: الف- ولادت رهبری از رهبران الهی- نظیر عید ولادت امامن معصوم(ع).

ب- انتصاب رهبری از رهبران الهی به مقامی بزرگ، نظیر عید معیت و غیر غدیر.

ج- دگرگونی و تحولی سازنده در افکار و آرمان انسان‌ها؛

نظیر عید فطر.

در قرآن کریم واژه عید نسبت به روز نزل مانده آسمانی که موهبتی ویژه از ناحیه خداوند متعال به عیسی(ع) و پیروانش بود، اطلاق گردیده است:

«خداوند او را فرست بر ما خوئی از آسمان تا برای همه ما از اولین و آخرین، عیدی باشد»(۷)

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

عیدفطر، تنها اختصاص به کسانی خواهد داشت که تن به عبودیت الهی داده و خالصانه سر به آستان معبود نهاندند و آنان که بی تفاوت از کنار این مانده عظیم الهی گذشتند و یا تنها به ظاهر برخی عبادات بسندند کردند، محروم از حقیقت این عید خواهند بود.

۲- پیروزی ایمان و عقل دوراندیش بر نفس اماره

شکی نیست که شرط اصلی هر نوع اصلاحات اجتماعی و غلبه بر نیروهای مہماج خارجی، موفقیت در برابر قوای ویرانگر داخلی است.

انسان تا زمانی که از درون ساخته نشود، قدرت پیکار با عوامل بیگانه را نخواهد داشت.

عیدفطر، نشانه شکست قوای ویرانگر و ضدتکاملی داخلی و غلبه ایمان و عقل می‌باشد.

در روز عیدفطر، فردی که موفق به طاعت الهی و تعدیل گرایش سرکنش در ماه رمضان شده، پیروزمندانۀ از خانه بیرون آمده و همچون سربازی که خصم را کوبیده، پاچه‌های باز دیگر سربازان را به آغوش می‌کشد و بر این پیروزی خدای را سپاس گفته و سجده شکر به جا می‌آورد. توجه به این نکته مهم لازم است که درعید فطر برخلاف دیگر اعیاد که غالباً اموری غیراختیاری هستند - هر فرد روزه‌دار می‌تواند در تحقق این عید و پیروزی بزرگ - که مبدأ پیروزی‌های دیگر است سهیم باشد؛ چون رمضان، ماه مبارزه با شیاطین داخلی و قوای سرکشی است که قصد سلطه بر عقل را دارند و عید فطر روز اعلام پیروزی عقل بر شیطان است. بنابراین

مفهوم فطر

این واژه در لغت به معنای: گشایش روزه، روزه‌گشادن، مقابل صوم، به کار رفته است.(۱)

ضمناً توجه به این نکته لازم است که فطر- به فتح ف- به معنای آفریدن و شکافتن بوده و یا فطر از نظر مفهومی متفاوت می‌باشد.(۲)

روز اول شوال را نیز بدان سبب عیدفطر خوانده‌اند که در این روز، امر اسماک از خوردن و آشامیدن از انسان برداشته شده و از مؤمنان خواسته شده است که در آن روز، روزه‌شان را شگسته، افطر کنند. بعد از بیان نکات مذکور، اینک به تحلیل و بررسی «عید فطر» می‌پردازیم:

حقیقت عید فطر

در روایات متعدد از عید فطر به عنوان «یوم‌الجوائز» یاد شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «وقتی اول شوال فرا می‌رسد منادی ندا برمی‌آورد، ای مؤمنان، اول صبح به سوی جایزه‌هایتان بشتابید.» سپس فرمود: «ای جابر، جوایز خداوند همانند جایزه‌های پادشاهان نیست.» آنگاه فرمود:

این روز، روز جایزه است.(۳)

عالم وارسته میرزا جواد اقلملکی تبریزی(ره) در این رابطه می‌فرماید: «عید، زمانی است که خداوند متعال برای جایزه دادن و پهرمند کردن بندگان از نعمت‌ها، آن را در میان روزها انتخاب می‌کند تا برای گرفتن خلمت‌ها و عطاها جمع شوند و به همگان اعلام کرده است که در راه او روی آورده و با اعتراف به بندگی و آمرزش خواستند از گناهان و عرضه نیازها و آرزوهایشان برای او تواضع کنند. خداوند نیز در تمام این موارد به آنان وعده اجابت و عطایی بالاتر از آرزوهایشان بلکه بالاتر از آنچه در دل شری‌ ظهور کرده، داده است. خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه عبادت خود

عید فطر

محسن مطلبی جوفنانی

قرار داده و بندگانش را در روز عید فراخوانده تا برای گرفتن جوایز و هدایا جمع شوند.»(۴)

طبق این بیان، عید فطر، صرف بزرگداشت یک روز و تکرار یک خاطره نبوده بلکه واقعیتی است که هر سال در اول ماه شوال، عده بسیاری از بندگان خداوند که در مسابقه عبادت ماه رمضان تلاش کردند، موفق به اخذ جوایز الهی و درجات عالی می‌شوند. بنابراین عیدفطر، تنها اختصاص به کسانی خواهد داشت که تن به عبودیت الهی داده و خالصانه سر به آستان معبود نهاندند و آنان که بی تفاوت از کنار این مانده عظیم الهی گذشتند و یا تنها به ظاهر برخی عبادات بسند کردند، محروم از حقیقت این عید خواهند بود.

در کلمات گهربار امیرمومنان نیز عیدفطر تنها به کسانی اختصاص یافته که موفق به پیمودن مسیر مسابقه عبادت در ماه رمضان شده و نشان قبولی را از ناحیه خداوند متعال دریافت کرده‌اند.(۵)

اما هنا عید من غفر له(۶) امروز، عید آن کسی است که خداوند او را آمرزیده است و فرزند بزرگوارش امام حسن(ع) نیز غافلان از این مانده عظیم الهی را بی‌تصبب از برکات عیدفطر می‌داند. آن حضرت در روز عیدفطر وقتی دعای را دید که می‌خندیدند و بازی می‌کردند، رو به همراهان خود کرد و فرمود: خدای عزوجل ماه رمضان را آفرید تا میدان مسابقه‌ای برای خلقت باشد که در آن با طاعت و ریاضت او با یکدیگر مسابقه بدهند. عدهای سبقت گرفته و سعادتمند شدند و عدهای عقب افتاده و ناامید شدند. شگفتا از کسی که در این روز می‌خندد و بازی می‌کند. روزی که نیکوکاران در آن پاداش می‌گیرند و گوناخی کنندگان زبان می‌بینند که به خدا سوگند، اگر پرده‌ها فرو افتد نیکوکار می‌اندیشد که چرا بیشتر عمل نیک انجام ندادم و بدکار می‌گویم؛ چرا بد می‌کردم و از ششانه کردن من و صاف کردن لباس خود باز می‌ماندم.»(۷)

امتیازات عید فطر نسبت به دیگر اعیاد

اعیاد اسلامی نظیر عید قربان، عید معیت، عید ولادت

به معبود حقیقی سپرده است. در حقیقت جشن او، جشن رهایی، جشن استقلال و جشن بندگی خدا خواهد بود.

۵- اعلان آمادگی

فرد و جامعه‌ای که در ماه رمضان موفق به اصلاحات فردی و درونی شده و بر قوای مهاجم داخلی پیروز گشته‌اند، با برگراری روز عید، آمادگی خویش را برای اصلاحات اجتماعی و مبارزه با دشمنان خارجی اعلام می‌کنند. آنان خود را آماده بیمودن راه‌های دشوارتر کرده و روز عید را مقدمه این سفر طولانی می‌دانند.

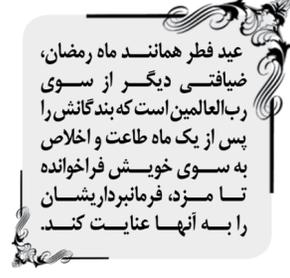
بنابراین روز عید، در حالی که روز شکرگزاری در برابر نعمت عظیم پیوستن انسان به حق در سایه بندگی می‌باشد، سرآغاز هجرتی از حق به سوی خلق نیز خواهد بود.

۶- کمک اقتصادی

از ویژگی‌های دیگری عید فطر آن است که قبل از برپایی نماز عید و ملاقات با حق تعالی، مسلمانان مکلفند با پرداختن زکات فطرت در رفع نیاز فقیران جامعه بکوشند. معنای این دستور آن است که مسلمانان راستین شایسته نیست شادی خود را در چنین روزی، با بی تفاوتی در برابر محرومان جامعه برقرار کنند. توجه به نیازمندان که از فقیران خویشاوند شروع می‌شود، سهیم کردن آنان در شادی عید است و این کار باید قبل از حضور در مصلا و اقامه نماز، صورت پذیرد.

۷- عید فطر، عید بعد از عید

ماه رمضان، ماهی است که بندگان حق به صیافت الهی دعوت شده‌اند. از همین رو در زبان پیشوایان الهی با عنوان عید به آن خطاب شده است. امام سجاد(ع) می‌فرماید: السلام علیک یا شهر الله الاکبر و یا عید اولیائه، (۱۹) سلام بر تو ای بزرگترین ماه خدا و سلام بر تو ای عید اولیای الهی.



از طرفی، نخستین روز ماه شوال را نیز عید فطر نامیده‌اند. جمع این دو با هم، مبین آن است که اول صیافت الهی در ماه رمضان، لغت‌الله را در پایان رمضان، به دنبال دارد. بنابراین اول عظمت چنین روزی، به عظمت ماه رمضان، برمی‌گردد، نه در پایان ماه شوال.

تائید؛ از قرار گرفتن این دو عید در کنار یکدیگر می‌توان برتری عید فطر را نسبت به اعیاد دیگر استنباط کرد، چون وقتی ماه رمضان برترین ماه سال بود؛ طبعاً عید فطر نیز به محصول و نتیجه آن است برترین عید خواهد بود. در نتیجه کسانی که از برکات این دو عید بی‌بهره باشند زیانکارترین انسان‌ها خواهند بود؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم(ص) فرمود: فان الشقی من حرم غفران الله فی هذاالشهر العظیم»(۸) شود و آمرزیده نشود.

این سخن پیامبر(ص) هرچند نسبت به ماه رمضان وارد شده اما از آنجا که عید فطر، عصاره و نتیجه ماه رمضان است، شامل آن نیز می‌شود. عالم وارسته میرزا جواد اقلملکی(ره) می‌فرماید:

کسی که چنین ضرری کرده است باید از خطر دعای رسول خدا ترسد آنجا که می‌فرماید: خداوند کسی را که از ماه رمضان خارج شود و آمرزیده نشود، نیامرزد.»(۹) یکی از سخت‌ترین مصیبت‌ها و بزرگ‌ترین بلاها همین است. باید با یاری خدای پناه آوردن به رحمت و رفتن به درگاه او... خود را اصلاح نموده بر گناهان خود گریسته و آثار این اعتراف صادقانه را در خود هویدا سازد و با زبان حال بگوید: هیچ خدایی بجز تو نیست. تنزیه می‌کنم تو را و منم که مستحکام.»(۱۰)

کوتاه سخن آنکه آیات قرآن کریم و روایات شریف بر اهمیت و عظمت روز عید فطر تاکید دارند و از اعمالی که برای شب و روز این عید بزرگ مسلمانان برشمرده شده، برمی‌آید که روزه‌داران و دیگر مسلمانانی که موفق به روزه شده یا عدری باشند،نداشته، باید خود را برای ورود به چنین روز با عظمتی آماده سازند و پاداش یک ماه مجاهدت خود را پس از دادن فطره و گزاردن نماز؛ از خداوند متعال مسئلت نمایند و نقش روحانیون و مبلغان مذهبی در بیان عظمت این روز و تسبیح مردم برای حضور آگاهانه و مشتاقانه در مراسم روز عید فطر، بسی اهمیت است.

- ۱- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸.
- ۲- امالی شیخ صدوق، ج ۱۰، ص ۲۳۴.
- ۳- مدار الشیعه، ج ۳۰.
- ۴- لغتنامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۵۴.
- ۵- المعین، ج ۶، ص ۳۲۵.
- ۶- لسان العرب، ج ۴، ص ۴۵۹.
- ۷- مائده، آیه ۱۱۴.
- ۸- مسیحیان از آن زمان تاکنون، روز نزل مانده را که بکشنبه اتفاق افتاد به دیده احترام نگریسته و از روز نر روز تعطیل خودشان در طول هفته بزرگیده‌اند.
- ۹- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸.
- ۱۰ (۱۱ و ۱۰) - لغتنامه دهخدا، واژه فطر، ج ۱۲، ص ۳۲۳.
- ۱۱- لا یحضر الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۳.
- ۱۲- المراقبات، ترجمه ابراهیم محدث، صص ۲۳۳-۲۳۴.
- ۱۳- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸.
- ۱۴- بحرالانوار، ج ۴۰، ص ۳۱۶.
- ۱۵- من لا یحضره الفقیه، ج ۱۰، ص ۲۲۲.
- ۱۶- صحیفه سجاده، دعای ۴۵ دعای وداع ماه مبارک رمضان، ۲۱۷-۲۱۸، مقاله وداع ما ماه خدا- روزه ماه مبارک رمضان ۱۳۷۸-۲۰۰۷.
- ۱۷- صحیفه سجاده، دعای ۴۵.
- ۲۰- بحرالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶.
- ۲۱- المراقبات، ص ۲۲۲. ترجمه: ابراهیم محدث

صفحه ۷

سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

۲۸ رمضان ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۷۴۴



چراغ راه

بیشترین عذاب روز قیامت

قال‌النبی(ص): «لشد الناس عذاباً فی القیامة، عالم لم یعمل بعلمه و لم ینفعه علمه»

پیامبر گرامی(ص) فرمود: بیشترین عذاب در روز قیامت از آن عالمی است که به عملش عمل نکسرده و آن علم هیچ نفعی (برای خودش و دیگران) نداشته است. (۱)

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۲۰

حکایت خوبان

شاخص‌های عرفان ناب الهی

امام‌علی(ع) درباره اهل معرفت الهی می‌فرماید:
خرد خویش را زنده ساخته و نفس خویش را میرانده است تا در وجودش درشت‌ها نازک و غلیظها لطیف گشته‌است، و نوری درخشان در قلبش مانند برق جهیده است. آن نور راهش را آشکار و او را سالک راه ساخته است و درها یکی پس از دیگری او را به پیش رانده است تا آخرین در که آنجا سلامت است و آخرین منزل که بارانداز اقامت است. آنجا قرارگاه امن و راحت است. پاهایش همراه با آرامش بندش استوار است. همه اینها به موجب این است که قلب خود را به کار گرفته و پروردگار خویش را راضی ساخته است.(۱)

۱- نهج‌البلاغه - خطبه ۲۱۸



پرسش و پاسخ

تفاوت عرفان و حکمت الهی

پرسش:
عرفان الهی چه تفاوت‌هایی با حکمت الهی از منظر اهداف و روش‌ها دارد. لطفاً به نحو اجمال توضیح دهید؟

پاسخ:

وجه اشتراک و افتراق عرفان و حکمت الهی عرفان با حکمت الهی یک وجه اشتراک و وجه افتراقی دارد وجه اشتراک این است که هدف هر دو معرفه الهی است.

وجه افتراق

۱- از نظر حکمت الهی، هدف خصوص معرفه الله نیست بلکه هدف معرفت نظام هستی است، آنچنان‌که هست. معرفتی که هدف حکیم است نظامی را تشکیل می‌دهد که البته معرفه‌الله رکن مهم این نظام است، ولی از نظر عرفان هدف منحصر به معرفه الله است. معرفه الله معرفت همه چیز است، همه چیز در پرتو معرفه‌الله و از وجه توحیدی باید شناخته شود، و این گونه شناسایی فرع بر معرفه‌الله است.

۲- معرفت مطلوب حکیم معرفت فکری و ذهنی است، نظیر معرفتی که برای یک ریاضیدان از تفکر در مسائل ریاضی پیدا می‌شود، ولی معرفت مطلوب عارف معرفت حضوری و شهودی است. نظیر معرفتی که برای یک آزمایشگر در آزمایشگاه حاصل می‌شود. حکیم طالب «علم‌البیقین» است و عارف طالب «عین‌البیقین».

۳- وسیله‌ای که حکیم به کار می‌برد، عقل و استدلال و برهان است، اما وسیله‌ای که عارف به کار می‌برد، قلب و تصفیه و تهذیب و تکمیل نفس است. حکیم می‌خواهد دوربین ذهن خود را به حرکت آورد و نظام عالم را با این دوربین مطالعه کند، اما عارف می‌خواهد با تمام وجودش حرکت کند و به کنه و حقیقت هستی برسد و مانند قطره‌ای که به دریا می‌پیوندد به حقیقت پیوندد.

۴- کمال فطری و مترقب انسان از نظر حکیم در «فهمیدن» است و کمال فطری و مترقب انسان از نظر عارف در «رسیدن» است.

۵- از نظر حکیم انسان ناقص مساوی است با انسان جاهل و از نظر عارف انسان ناقص مساوی است با انسان دورو مهجور مانده از اصل خویش.

۶- عارف که کمال را در رسیدن می‌داند، نه در فهمیدن، برای وصول به مقصد اصلی و عرفان حقیقی عبور از یک سلسله منازل، مراحل و مقامات را لازم و ضروری می‌داند و نام آن را «سیر» و سلوک» می‌گذارد. امام علی(ع) جمله معروفی را در این زمینه فرموده‌اند: «الهی ما بعدتک حوفاً من نارک و لا طمعاً فی جنتک، بل وجدتک اهلاً لعبادة، فبعدتک» خدایا من تو را از ترس آتش جهنم و یا به طمع بهشت عبادت نکرده‌م، بلکه تو را شایسته عبادت یاقتم و عبادت کردم. بحرالانوار، ج ۶، ص ۱۷۶) آن‌ری عرفا روی این مطلب زیاد تکیه می‌کنند که اگر هدف و مطلوب عرفانی در زندگی و یا در خصوص عبادت، غیر از ذات حق چیز دیگری باشد، نوعی شرک به حساب می‌آید. بنابراین هدف عارف از عبادت، شایستگی خود عبادت یعنی شرافت و حسن ذاتی عبادت معبود است. عبادت از آن جهت که نسبت از تباطی است میان بنده و خدا که کاری است شایسته و در خور انجام دادن پس لازم نیست که الزاماً هر عبادتی به‌خاطر طمعی یا ترسسی بدن باشد. عارف هر چه را بخواهد برای خدا و به‌خاطر خدا می‌خواهد. او اگر نعمت‌های خدا را می‌خواهد، از آن جهت می‌خواهد که آن نعمت‌ها از ناحیه او است و عنایت و کرامت و لطف او است. پس غیر عارف خدا را به‌خاطر نعمت‌هایش می‌خواهد و عارف نعمت‌های خدا را به‌خاطر فطرت خدا می‌خواهد. زیرا اگر غیر از این باشد مطلوب بالذات او این نعمت‌ها است و خدا مقدمه و وسیله است پس معبود و مطلوب حقیقی همان نعمت‌ها هستند و در حقیقت معبود و مطلوب حقیقی همان نفس است، زیرا آن نعمت‌ها را برای ارضای نفس می‌خواهد.



سلوک عارفانه



وابستگی فرهنگی

منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌ها!

(بدان ای سالک راه خدا) هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد و تا زمانی که ملت‌ها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به جای خود نشانده‌اند، نمی‌توانند استقلال پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد و این فرهنگ و حقوق خود را نادیده گرفته و به دنبال غرب است. چنان غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می‌کنیم غیر از غرب دیگر هیچ چیز نیست. این وابستگی فکری، عقلی و مغزی غربی، منشأ اکثر بد